

غزل شماره ۱۷۵

صبا به تهنیتِ پیرمی فروش آمد
که موسمِ طرب و عیش و ناز و نوش آمد

هوا میج نفس کشت و باد نافه کشای
درخت بزر شد و مرغ در خروش آمد

تور لاله چنان بر فروخت باد بهار
که غنچه غرقِ عرق کشت و گل به جوش آمد

به کوشِ هوشِ نیشِ از من و به عشرتِ کوش
که این سخن سحر از ما تقم به کوش آمد

ز فکرِ تفرقه باز آئی تا شوی مجموع
به حکمِ آن که پوشد احرمن سروش آمد

ز مرغِ صبح ندانم که سوسنِ آزاد
چه کوش کرد؟ که باده زبان خموش آمد

چه جایِ صحبتِ نامحرم است مجلسِ انس؟
سرپیاله پوشان که خرقة پوش آمد

ز خانقاه به میخانه می رود حافظ

مگر ز مستی زهدِ ریا به هوش آمد

تفسیر فال

فردی به یاری شما می‌آید و از عمق درد و رنج نجات‌تان می‌دهد. او با مهارت و دلسوزی لباس عافیت را بر تن شما می‌نهد، به گونه‌ای که احساس آرامش و امنیت را در وجودتان جاری می‌سازد. ممکن است کمی عصبانی باشید، اما در این لحظات حساس، تلاش کنید بر خود کنترل داشته باشید و احساسات‌تان را مدیریت کنید. همچنین، سعی کنید بین افراد دیگر جدایی نیفکنید؛ زیرا این کار نه تنها به حل مشکلات شما کمک نخواهد کرد، بلکه ممکن است بلایا و چالش‌ها را بیشتر به سوی شما جلب کند. حفظ روابط انسانی سالم و متعادل، کلید دور ماندن از مصائب است.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)